

تیمور لنگ

www.ketab.ir

هارولد لمب

ترجمه علی جواهر کلام

سرشناسه	لنډ، هارولډ، ۱۸۹۲-۱۹۶۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	تیمور لنگ، هارولډ لنډ: ترجمه علی جواهرکلام.
مشخصات نشر	فیه، آراستگان
مشخصات ظاهری	۲۶۴ ص
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۲۶-۷۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیه
عنوان اصلی	Tamerland, the earth shaker
یادداشت	کتاب حاضر با عنوان «تیمور لنگ آخرین فاتح جهان» نیز منتشر شده است.
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.
عنوان دیگر	تیمور لنگ آخرین فاتح جهان
موضوع	تیمور گورکانی، ۸۰۷-۷۳۶ ق
موضوع	مغولان -- تاریخ
موضوع	ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۹۱۱-۷۷۱ ق
شناسه افزوده	جواهرکلام، علی، ۱۳۵۵-۱۲۷۵، مترجم.
زده‌بندی کنگره	DSR۱۰۹۷ ج۸ ۹۱۳۸۸
زده‌بندی دیویی	۹۵۵-۰۶۶۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۷۰۳۳۲۷

www.ketab.ir



انتشارات آراستگان

تیمور لنگ

نویسنده: هارولډ لنډ

مترجم: علی جواهر کلام

ناشر: آراستگان

چاپ: بدای

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

قطع: وزیری / ۲۶۴ صفحه

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۲۶-۷۰-۶

قیمت: ۰۰۰۵۶۲ تومان

مرکز پخش:

کتاب بهزاد

۰۹۱۲۹۲۸۲۹۳۷

۰۹۱۹۱۵۲۱۵۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه مؤلف
۹	سعی و کوشش

بخش ۱

۱۴	فصل اول: ماوراءالنهر - آن طرف رود جیحون
۱۸	فصل دوم: مردان با کلاه خود
۲۴	فصل سوم: شاه آفرین (تاج بخش) سالی سارای
۳۰	فصل چهارم: بانوی خدیجه بیگم
۳۶	فصل پنجم: تیمور دیلمات
۴۳	فصل ششم: سرگردان
۵۰	فصل هفتم: یک شتر و یک اسب
۵۵	فصل هشتم: کنار پل سنگی
۵۹	فصل نهم: جنگ باران
۶۴	فصل دهم: دو امیر
۷۳	فصل یازدهم: روی پشت بام دنیا
۷۹	فصل دوازدهم: زین الدین سخن می گوید
۸۶	فصل سیزدهم: کار صوفیان

بخش ۲

۹۲	فصل چهاردهم: سمرقند
۹۹	فصل پانزدهم: قزل اردو

فصل شانزدهم: در جاده‌های استپ	۱۰۷
فصل هفدهم: در سرزمین سایه‌ها	۱۱۶
فصل هیجدهم: مسکو	۱۲۳
فصل نوزدهم: ساقیان - هم پیاله‌ها	۱۳۱
فصل بیستم: قلمرو وسیع	۱۴۱
فصل بیست و یکم: برپشت زین	۱۴۹
فصل بیست و دوم: سلطان احمد بغدادی	۱۵۶

بخش ۳

فصل بیست و سوم: محروم‌های سمرقند	۱۶۲
فصل بیست و چهارم: خانم بزرگ و خانم کوچک	۱۷۲
فصل بیست و پنجم: مسجد جامع تیمور	۱۷۸
فصل بیست و ششم: جنگ سه ساله	۱۸۲
فصل بیست و هفتم: یوحنا ی اسقف به اروپا می‌رود	۱۸۸
فصل بیست و هشتم: آخرین جنگ صلیبی	۱۹۳
فصل بیست و نهم: تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند	۲۰۰
فصل سی ام: پشت دروازه‌های اروپا	۲۰۹
فصل سی و یکم: دنیای سفید	۲۱۷
سرانجام	۲۲۱
نتیجه کوشش چه بود؟	۲۲۱

بخش ۴

یادداشت‌ها	۲۲۸
۱ - خردمندان در میدان جنگ	۲۲۸
۲ - کمان در مشرق و مغرب	۲۲۹

۲۳۱	۳- آتش اندازان
۲۳۲	۴- آنقره
۲۳۶	۵- دوک ویتولدو تاتار
۲۳۸	۶- دو خداوند جنگ
۲۴۰	۷- شاعران
۲۴۲	۸- مغول
۲۴۴	۹- تاتار
۲۴۵	۱۰- ترک
۲۴۸	۱۱- شیخ الجبل
۲۵۰	۱۲- شهر قشنگ و زیبای تبریز
۲۵۲	۱۳- کلاویجو در تبریز
۲۵۴	۱۴- سراپرده امیر
۲۵۵	۱۵- گنبد بزرگ
۲۵۶	۱۶- از کله آدم منار می ساختند
۲۵۷	۱۷- اخلاق و صفات تیمور
۲۵۸	۱۸- تیمور و مذهب

منابع

۲۶۱	منابع
-----	-------

مقدمه مؤلف

□ سعی و کوشش

پانصد و پنجاه^۱ سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق شد، ما او را تیمور لنگ می‌خوانیم.

در آغاز وی چندان مهم نبود - فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله دار آن سرزمین مرد پرور پهلوان خیز یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی‌برد. اسکندر و چنگیز هر دو هنگامی که به جهانگیری برخاستند با خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول‌ها با چنگیز همراه بودند. ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یکی پس از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر نوآباد ساخت کاروان‌های بازرگانی دو قاره از وسط راه‌های او می‌گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله‌ی کوه‌های بلند در ظرف یک ماه کاخ‌ها و عشرت گاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگری این مرد عجیب در مدت حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل چسب‌تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری می‌خواندند. آن‌ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیر بی‌رحمی می‌شناختند که تا پشت

^۱ - این تاریخ مطابق با تألیف کتاب است ولی اکنون قریب پانصد و هفتاد سال می‌شود. مترجم

توسط شورای ده نفری اداره می شد، و رینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نسل پس از مرگ دایه واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ های صد سال دوره بحرانی خود را طی می کرد و در عین حال بورگوندی ها و اورلئانیست ها با جلاخان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه دیوانه به طور بی طرفی این منظره ها را تماشا می کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان نوررسیده ای بود که آهسته آهسته از میان تاریکی های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود.

اروپا شیفته ی تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف چینی و فولاد شرق را می خواست، آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می آمد و به واسطه ی همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند و قرطبه و اشبیلیه اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ های غرناطه را آن ها برپا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء سنتریه اتصال می یابد. تخته سنگی برپا داشته اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می شود. در زمان تیمور این علامت می بایستی پنجاه درجه به طول غربی دورتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان های آن به شمار بیاید. استان هایی که بارون ها و سرف ها (بندگان) در آن زیست می کردند و شهرها از کلبه ها و دهات کوچک تشکیل یافته بودند و چنان که مورخ می نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود.

ما نمایشگاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماورای قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می دانستند. همین که تیمور به آستانه ی ممالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه ها و سفراء نزد وی فرستاده او را تیمورلان بزرگ، خداوند تاتاری خواندند.